

دریاچه

آن روی سکه یونان

آرمان محمودیان

■ ایرانیان هر گاه می‌خواهند درباره افتخارات تاریخی خود صحبت کنند محال است که از تخت‌جمشید صحبتی به میان نیابند؛ افتخاری که همیشه پادش با لحن اسکندر همراه است، فردی که ما همیشه یونان، کشور را فقط با نام او می‌شناسیم.

یونان اما برخلاف تصور ما همیشه سرمست از حکام خود نبوده است. این کشور در بخش اعظم تاریخ خود در نبرد با اشغالگران بیگانه و دیکتاتورهای داخلی بوده است.

سرافاز تحولات معاصر و استقلال یونان به دوران حکومت پاشاهای ترک به این کشور بر می‌گردد. در قرن هیجدهم که دیگر عثمانی به مرد پیر اروپا تبدیل شده بود، قدرت‌های مختلف اروپایی، به‌ویژه روسیه، می‌کوشیدند تا در اختلاف خود با آنها، که از اوایل قرن پانزدهم بر یونان حاکم بودند، از یونانیان استفاده کنند. وقوع انقلاب بر ضد حکومت ترک در ۱۸۲۱ حمایت سراسر اروپا را به خود جلب کرد.

در ۱۸۲۹ این درگیری‌ها با مداخله دولت‌های مقتدر اروپایی به نفع یونان پایان یافت و به یونان خودمختاری داده شد. روسیه و انگلستان و فرانسه در سال ۱۸۳۲ با اعمال نفوذ خود، استقلال کامل یونان را از عثمانی گرفتند. جشن استقلال که با سوگوازی آغاز دیکتاتوری بر یونان همراه شد. اروپاییان خواهان استقلال یونان، در این کشور حکومت پادشاهی به راه انداختند و «توی اول»، پسر پادشاه باورلیا را به پادشاهی این کشور گماشتند. پادشاهی او باعث پایدآمدن رسم کودتا در تاریخ یونان شد. او در سال ۱۸۶۲ از سلطنت خلع شد. پس از آن مجمع یونان «ژرژ اول» را به سلطنت انتصاب کرد.

پس از مرگ «ژرژ اول» حکومت در خاندان او به ارث رسید و «ژرژ دوم»پادشاهی خود را آغاز کرد. حکومت ژرژ دوم دوم چندانی نداشت زیرا در دوره حکومت او مردم یونان تحت‌تاثیر فروپاشی‌های سیاسی در یونان دست به اعتراضات جمهوری‌خواهانه زدند و توانستند حکومت خاندانی را در سال ۱۹۲۴سرتنگ کنند. این جمهوری نیز به نوعی جوان‌مرگ شد. اختلافات شدید بین احزاب باعث ناتوانی این جمهوری برای اداره کشور شد.نظامیان نیز این فرصت را غنیمت شمرند و در سال ۱۹۳۵ کودتا کردند و شاه فراری را دوباره بر مسند قدرت نشاندند. شاه نیز به پاس خوش خدمتی این کودتاجیان دستور تشکیل دولت توسط یک نظامی بندگان به نام «نرزال متاکاس» داد. دوران سرمستی نظامیان نیز چندان طول نکشید زیرا با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱ نواحی عمده یونان اشغال شد. با پایان‌یافتن جنگ و خروج اشغالگران نازی از یونان در سال ۱۹۴۴ دولتی مورد حمایت انگلیس زمام امور را در دست گرفت. این دولت در آغاز به احزاب سیاسی وعده رفراندوم داد اما نهن‌ها دولت به وعده خود عمل نکرد بلکه رویه استبدادی نیز در پیش گرفت.

استبداد با قدرت تمام بر یونان فرمان‌رایی کرد تا اینکه در سال ۱۹۵۲ نسیمی از فضای باز به مشام اهالی آتن رسید. در این سال دولتی نسبتاً مستقل به نخست‌وزیری «کنستانتین پاپاگوس» تشکیل شد. او سه‌سال بعد درگذشت و «کنستانتین کارامانیلیس» جانشین او شد. در سال ۱۹۶۳ به دنبال اختلاف‌نظرهایی که بین او و شاه سروز کرد وی از سمت خود کناره‌گیری و پس از او«جرج پاپاندرو» در سال ۱۹۶۴ دولت جدید را تشکیل داد. در سال ۱۹۶۵ کنستانتین دوم پسر پل اول به سلطنت رسید. این پسر برخلاف پدر صبر چندانی نداشت و در سال ۱۹۶۶ پاپاندرو را از نخست‌وزیری برکنار کرد. به‌دنبال این برکناری و پس‌لرزه‌های آن یونان تا سالل ۱۹۶۷ بحران‌های زیادی به خود دید. پادشاه جدید که با عزل نخست‌وزیر خود این بحران را بهار آورده بود نیز نتوانست آنقدر که دوست داشت به سلطنت ادامه دهد زیرا نظامیان که حامیان دپرواز و در نزاع با پاپاندرو بودند در سال ۱۹۶۷ دست به یک کودتا به رهبری «پاپادوپولوس» زدند. پس از آن این ناختای کنتی کودتا نخست‌وزیری را به عنوان غنیمت خود برگزید.

در ۱۹۷۴ به‌دنبال مبارزات مستمر مردم با سلطنت، حکومت سلطنتی، ملعی و رژیم جمهوری اعلام شد. کنستانتین کارامانیس در این سال به قدرت رسید و با اینکه در حکومت سلطنتی و حکومت گیرفیکس که با کودتایی در سالل ۱۹۷۳ علیه حکومت سرهنگ‌ها به قدرت رسیده بود، پست‌های بالا داشت به ریاست‌جمهوری یونان انتخاب شد. در ۱۹۸۰ کارامانیلیس مجدداً به نخست‌وزیری برگزیده شد. در دوره کارامانیلیس، یونان به غرب و آمریکاسپار نزدیک شد.

ماعسل روابط یونان و غرب عمر چندانی نداشت. در ۱۹۸۱ سوسیالیست‌هایباک‌خمشنی ضدآمریکایی وض ناتو در انتخابات پیروز شدند و اندراس پاپاندرو به عنوان نخست‌وزیر یونان برگزیده شد. خطمشی که او دنبال می‌کرد یونان را تا حدی بین بلوک شرق قرار می‌داد. او سیاست‌های خود را بر برچیدن پایگاه‌های آمریکا و کاهش سطح همکاری‌ها با اتحادیه اروپا در مسائل نظامی و مالی متمرکز کرد. در ۱۹۸۴ در پی اختلاف وی با کارمانلیس، رئیس‌جمهور وقت از مقام خود استعفا داد و «سارجه» نخست‌وزیر یونان به‌دنبال پیروزی در انتخابات، مقام اول را به‌دست آورد و «پاپاندرو» رهبر این حزب برای بار دوم مقام نخست‌وزیری را در دست گرفت و حزب او تاکنون حاکمیت را در دست خود نگه داشته است.

یونان در نقشه

پارلمان زیر تیغ بحران اقتصادی

بررسی جایگاه احزاب راست وچپ در انتخابات مجلس یونان



محمود قاضلی

انتخابات از نگاه راست

شعار حزب راست یونان: «پس از بحران اقتصادی، یونان را دوباره بسازیم»

پس از شکست سنگین حزب نئودموکراسی (ND) یونان در انتخابات اکتبر سال ۲۰۰۹ و بازگشت مجدد حزب سوسیالیست به صحنه سیاسی این کشور، به‌نظر می‌رسد این بار نوبت محافظه‌کاران یونانی است که با تغییر چهره‌های اصلی خود و روی کار آمدن چهره‌های جوان‌تر بار دیگر رویارویی با رقیب دیرینه خود را آزمایش کنند. این حزب که نخستین بار در سال ۱۹۷۴ به رهبری کارامانیلیس و پایان دوره سیه دیکتاتوری در این کشور به قدرت رسیده است از ابتدای تأسیس دارای پایگاه مردمی وسیع و متنوعی بوده و از اصلاحات اجتماعی در چارچوب اقتصادی آزاد حمایت می‌کند. این حزب همچنین طرفدار یکپارچگی و توسعه اروپاست. در سه دهه اخیر حزب نئودموکراسی همیشه با حزب برتر بوده با نقش اصلی‌ترین اپوزیسیون را ایفا کرده است. به‌دنبال شکست سنگین این حزب در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۹ و کناره‌گیری کارمانلیس رییس وقت حزب (برادرزاده کارامانیلیس بنیان‌گذار حزب ND) و از اکتبر سال ۲۰۱۰ «آنتونیوس ساماراس» که خود از منتقدان رهبران سابق بوده است، قدرت را در این حزب به دست گرفت. او که وارث مشکلات گذشتگان خود بود تلاش کرد ضمن بازسازی بخش‌های مختلف حزبی، نیروی جوانی به حزب وارد کرده تا بتواند بار دیگر به قدرت بازگردد.

در یکسال اخیر این حزب بارها خواستار برگزاری انتخابات زودرس پارلمانی در کشور شد و دلیل آن را بی‌اعتمادی توده مردم به مسوولان عالی‌رتبه کشور و حزب حاکم سوسیالیست دانست. در پی فشارهای اروپا مسوولان عالی‌رتبه حزب در نوامبر ۲۰۱۱ مجبور به شرکت در دولت ائتلافی آقای پایادیموس به مدت پنج ماه شدند. اما به‌دنبال ریزنی روسای احزاب با رییس‌جمهوری، نخست‌وزیر دولت ائتلافی سرانجام ۲۳ فورردین پس از دیدار با پاپولیس رییس‌جمهوری یونان خواستار صدور فرمان انحلال پارلمان و اعلام برگزاری انتخابات در شش ماه (۱۷ اردیبهشت) شد. ساعتی بعد فرمان ریاست‌جمهوری صادر و پارلمان ۲۰ نفره که حزب ND دارای ۹۱ کرسی پارلمانی

(۳۳/۵ درصد آرا) در آن بود، منحل شد. در شرایطی که کشور در دوره تبلیغات انتخاباتی قرار گرفت و برخی مقامات هر دو حزب پاسوک و نئودموکراسی جهت جلب حمایت افکار عمومی از برخی سیاست‌های دولت فاصله گرفتند، بی‌تردید عملکرد این دولت با مشکلات روبه‌رو شد. مصلحت‌اندیشی هر دو حزب و تاخیر در اجرای مصوبات دولت موجب نگرانی نخست‌وزیر دولت ائتلافی

شد. در پی اعلام برگزاری انتخابات در تاریخ ششم می سامراس مدعی شد «ملت یونان در اکتبر ۲۰۰۹ به کسانی که قول‌های توخالی به آن دادند رای داد و هزینه سنگینی بابت این اقدام پرداخت کرد و امروز عاقلانه‌تر عمل خواهد کرد. امروز یونان در بدترین نقطه تاریخ خود در زمان صلح قرار گرفته و همدچنان با آزمون‌های گوناگونی مواجه است و در انتخابات آتی در خصوص سرنوشت خود تصمیم‌گیری خواهد کرد.» وی پاسوک را مورد انتقاد قرار داد و گفت «کشور قبل از ۲۰۰۹ نیز مشکلاتی داشت اما وضعیت کنونی نتیجه اشتباهات و سیاست‌های پوپولیستی و غیرمسوولانه این حزب بوده‌است. سیاست‌هایی که آقای ونیزولوس نیز تا پایان دوره پاپاندرو (نخست‌وزیر سابق) از آن حمایت کرد.» نظرسنجی‌های به‌عمل‌آمده در ماه‌های اخیر از ابتدا نشان می‌داد که محبوبیت این حزب در مقایسه با حزب رقیب (سوسیالیست) از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده اما در مقایسه با انتخابات گذشته در ضعیف‌ترین وضعیت خود بوده است. با اعلام چنین نظرسنجی‌هایی، حزب پیروزی اکثریتی و کسب اکثریت قاطع کرسی‌های پارلمانی را ضروری دانسته تا کشور به دور از روش‌های مصالحه‌جویانه مدیریت شود. از دیدگاه ریاست حزب، در صورت عدم کسب آرای لازم کشور مجدداً راهی انتخابات خواهد شد. وی که حزب رقیب را عامل اصلی مشکلات کشور می‌داند، تأکید کرد «هیچ راهی برای همکاری با این حزب وجود ندارد.» اما با عدم پیروزی قاطع این حزب در انتخابات و کسب ۱۵۰ کرسی پارلمانی این حزب مجبور به ائتلاف است و احتمال تکرار انتخابات بسیار ضعیف‌است چرا که این گزینه با مخالفت شدید کشورهای اروپایی روبه‌رو خواهد شد. به‌نظر می‌رسد اظهارات رهبران هر دو حزب اصلی یونان تا حدودی اقدامی در راستای دوقطبی کردن این انتخابات است. هر دو حزب با حمله به یکدیگر به‌دنبال کسب آرای هواداران سنتی خود و به پای صندوق آمدن مجدد آنها هستند.

ساماراس رییس نئودموکراسی بارها پیروزی اکثریتی این حزب را به‌عنوان مهم‌ترین هدف این حزب در انتخابات آتی برشمرد اما بعضاً در مواضع خود پنجره‌ای را برای تشکیل دولت ائتلافی باز گذاشت و مدعی شد در این صورت رییس حزب اول باید نخست‌وزیر باشد به گفته وی «دولت ائتلافی قدرت رییس دولت جهت انجام کارهای اساسی را گرفته و رییس دولت برای انجام کارهای خود، رویه مصالحه‌جویانه‌ای را باید پیش بگیرد. به همین جهت خواستار پیروزی اکثریتی هستیم تا دستمان برای اجرای سیاست‌های لازم باز باشد.» وی هم‌زمان تأکید دارد «چنانچه به پیروزی اکثریتی دست نیابیم شرایط ایجاد می‌کند راهی انتخابات جدید شوم تا کشور بدون دولت نماند.» وی در هفته‌های اخیر بارها تأکید کرده است «شخصاً مشکلی با آقای ونیزولوس (رییس حزب سوسیالیست) ندارم اما اعتمادی نیز به حزب پاسوک ندارم. نمی‌خواهم در دولتی مشارکت کنیم که پاسوک شرایط آن را تعیین کند. من می‌خواهم کشور را دگرگون کنم نه اینکه با حزب پاسوک بسازم و شرایط تحمیلی آن را تحمل کنم.» مواضع وی البته از سوسی رقیب اصلی بی‌پاسخ نماند. به گفته ونیزولوس، ساماراس بدون در نظر گرفتن خطرات جدی که کشور را تهدید می‌کند، می‌خواهد به تنهایی بر کشور حکومت کند اما برای این پست پیشنهاد برنامه جدیدی ارائه کرده است. وی حتی یکبار درخصوص اشتباهات بزرگ دولت سابق از این حزب در سه‌سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ سخنی نگفت و در مردم یونان نیز عذر نتواست. ساماراس رییس حزب طی سخنانی در نخستین جلسه کمیته انتخاباتی حزب، از مردم خواست تا با رای خود حزب محافظه‌کار یونان را به پیروزی اکثریتی هدایت کنند. رییس نئودموکراسی پنج هدف اصلی این حزب را چنین برشمرد:

شعار حزب راست یونان: «پس از بحران اقتصادی، یونان را دوباره بسازیم»

بی‌تردید یکی از جریان‌ات سیاسی فعال در تحولات سال‌های اخیر یونان، جناح چپ این کشور است، چه که جایگاه مهمی در مبارزات مردمی این کشور در رویدادهای تاریخ معاصر این کشور دارد. خود را برای انتخابات پارلمانی این کشور در ۱۷ اردیبهشت آماده می‌کند. احزاب چپ‌گرا انتظار دارند رویدادهای دو سال اخیر این کشور در حوزه اقتصادی و امضای توافقنامه مقامات این کشور با اروپا در زمینه بسته‌های پیشنهادی اقتصادی که با مخالفت جدی این جناح روبه‌رو بوده است، بتواند در نهایت جایگاه این احزاب را ارتقا بخشد. گفته می‌شود اتحادیه اروپا ابتدا تمایلی به برگزاری انتخابات نداشت و نگران است که نتایج این انتخابات مانعی در سر راه اجرای سیاست ریاضت اقتصادی و توافق‌های دولت ائتلافی یونان با اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باشد. در حالی که همه شواهد و نظرسنجی‌های داخلی نشان از کاهش شدید رای‌دهندگان به دو حزب اصلی این کشور دارد اما افزایش محبوبیت احزاب کوچک و مخالف با امانه سیاست ریاضت اقتصادی با نگرانی‌هایی در اتحادیه اروپا و وام‌دهندگان به یونان روبه‌رو است. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد محبوبیت احزاب چپ‌گرا (حزب کمونیست، حزب ائتلاف چپ و چپ دموکراتیک) به شکل بی‌پایه‌ای افزایش یافته است. براساس نظرسنجی‌ها مجموعه آرای این احزاب که به‌علا با اجرای سیاست ریاضت اقتصادی و پذیرش شرایط و توافقات به عمل آمده کشورشان با اتحادیه اروپا مخالف هستند، باعث نگرانی شدید اتحادیه اروپا و نظام سرمایه‌داری شده است.

حزب کمونیست

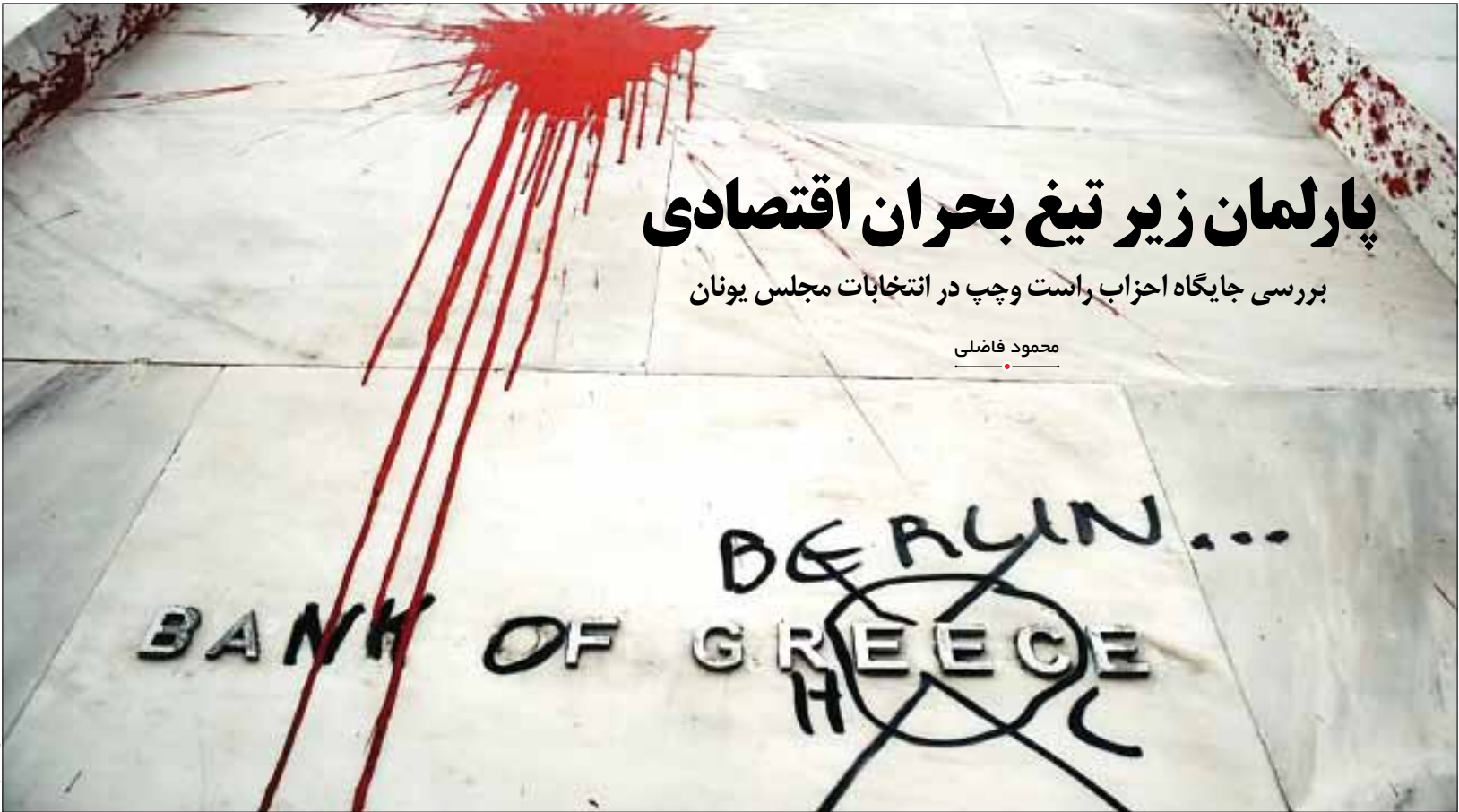
مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری

حزب کمونیست یونان که در سال ۱۹۱۸ تأسیس شد یکی از احزابی است که پس از پایان دوران دیکتاتوری در پارلمان این کشور به‌عنوان اپوزیسیون حضور فعالی داشته است. این حزب در آخرین انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۹ با کسب ۷/۵۳ درصد آرا و ۲۱ کرسی پارلمانی، حزب سوم پارلمان بوده است. حزب مدعی است برای مشکلات کنونی یونان فقط یک راه‌حل وجود دارد: خروج از اتحادیه اروپا و فرصت تمامی مبالغ بدعی کشور، شعار‌هایی که در دهه‌های اخیر در صدر خواسته‌های این حزب قرار گرفته‌است. این حزب ضمن انتقاد شدید از سیاست اقتصادی دولت در سرمایه‌داری علیه حقوق قشر کارگری مقاومت کرده با موجب تقویت دو حزب نئودموکراسی و پاسوک شده تا حقوق باقی‌مانده نیز به نابودی کشیده شود. چرا که این دو حزب جهت پیشگیری از شکست در انتخابات، مردم را نسبت به عواقب شکست خود به وحشت انداخته و از مردم خواسته‌اند تا سیاست‌های غلط آنها را فراموش کرده و مجدداً به آنها رای بدهند که البته برخلاف گذشته این بار مردم به آنها رای نخواهند داد. حزب نئودموکراسیست تغییر ریشه‌ای در سیاست‌های یونان و خروج از حوزه پیرو و اتحادیه است و بارها هرگونه همکاری با سایر احزاب چپ‌گرای این کشور را رد کرده و معتقد است اگر برای به دست آوردن چند کرسی موضع خود را تغییر دهیم ما نیز مانند حزب کمونیست فرانسه خلع سلاح خواهیم شد. این حزب از سوی حزب سوسیالیست یونان به حزبی خطرناک برای کشور و ضد اروپایی متهم شده است. مسوولان این حزب رای به این حزب را تقویت کارگران و کارمندان و راهی برای سازماندهی بهتر جنبش کارگری علیه تدابیر ضد مردمی پس از انتخابات می‌دانند. حزب کمونیست معتقد است این احتمال وجود دارد که احزاب اصلی در روزهای آتی مردم را درخصوص عواقب تقویت حزب کمونیست به وحشت بیندازند. طبق آخرین نظرسنجی برای کشور و ضد اروپایی متهم شده است. مسوولان این حزب کمونیست ۸/۵ درصد آرای انتخاباتی را به دست خواهد آورد. در ۱۱/۵ درصد آرا را به دست خواهد آورد.

حزب ائتلاف چپ

عبور از اپوزیسیون و تشکیل دولت

حزب ائتلاف چپ یونان (حزب پنجم پارلمان گذشته) در سال ۱۹۸۹ به عنوان اتحادی از ۹ گروه سیاسی شامل



عکس:Getty

انتخابات از نگاه چپ

حزب چپ یونان و حزب کمونیست یونان (جناح خارجی) تشکیل شد. در سال‌های اخیر این گرایش بخشی از مردم به حزب، افزایش نشان می‌دهد. حزب که در آخرین پارلمان ۱۳ نماینده داشته و به عنوان یک حزب چپ اروپایی شناخته می‌شود، مدعی است «۱۱ میلیون یونانی با طرح ریاضت اقتصادی دولت مخالف بوده و از سیاست‌های اقتصادی دولت سوسیالیست انتقاد می‌کنند و فقط ۱۵۴ نماینده حزب حاکم به این طرح رای مثبت داده‌اند.»

این حزب مخالفتی با ادامه عضویت یونان در حوزه پیرو ندارد. رهبران این حزب از مردم این کشور می‌خواهند تا با رای خود در انتخابات دو حزب اصلی را محکوم کنند. به ادعای این حزب، دو حزب اصلی مسوول وضعیت کنونی کشور هستند. آنها دو رقیب سابق در گذشته بوده و امروز دو شریک در مدیریت کشور هستند.این حزب خواستار تشکیل دولت مترقی چپ در یونان است و معتقد است چپ یونان باید از این فرصت استفاده کرده و از مرحله اپوزیسیون به مرحله تشکیل دولت گام بردارد. پیروزی احزاب مدافع، قرارداد وامی، تدابیر ریاضتی جدید، اخراج کارمندان بخش دولتی، کاهش حقوق کارمندان بخش خصوصی و بازنشستگان، سرکوب تظاهرات و گاز اشک‌آور را به دنبال خواهد داشت و تنها راه‌حل جلوگیری از تاراجی‌های اجتماعی، ائتلاف بین نیروهای چپ است. رییس حزب که وجود اختلافات عمیق میان جریان چپ یونان را می‌پذیرد مدعی است «راحل برای خروج از بحران را باید در جناح چپ‌گرا جست‌وجو کرد.» از دیدگاه رهبری حزب «هرچه به زمان انتخابات نزدیک می‌شویم احزاب پاسوک و نئودموکراسی تلاش خود را جهت وحشت‌پراکنی در جامعه درخصوص عواقب شکست انتخاباتی خود تقویت خواهند کرد. این دو حزب عامل اصلی بحران کنونی یونان و تحویل دادن کشور به اتحادیه اروپایی و صندوق بین‌المللی پول هستند. از دیدگاه این حزب کسانی که یونان را غارت کرده و به ناامیدی هدایت کردند، امروز وعده سازندگی کشور را به مردم می‌دهند.ا باید از فرصت استفاده کرده و احزابی را که بحران برای کشور به ارمغان آوردند از قدرت به پایین کشید. مردم اگر واقعا تمایل دارند وضعیت زندگی روزمره آنها بدتر شود به دو حزب پاسوک و نئودموکراسی رای دهند. این دو حزب همچنان به دنبال قریب مردم هستند.» این حزب مدعی است «دو

حزب کمونیست و چپ دموکراتیک حساس بودن روزهای تاریخی را درک نکرده‌اند. اگر سه حزب به‌طور متحد در انتخابات شرکت می‌کردند پیروز می‌شدند.» گفته می‌شود در این حزب هنوز درخصوص ادامه عضویت در یون توافق نظر کلی می‌شود. این حزب اختلاف زیادی در مورد این حزب در این خصوص وجود دارد. طبق نظرسنجی موسسه Pulse RC، حزب ائتلاف چپ ۱۳درصد آرا را در انتخابات به دست خواهد آورد.

حزب چپ دموکراتیک اتحادیه زنده و جامعه‌ای سربلند

این حزب تازه‌تأسیس تلاش دارد تا نیروهای جدا شده از جناح سوسیالیست را به سمت خود جذب کند. حزب، مخالفتی با ادامه عضویت یونان در حوزه پیرو ندارد. استراتژی سیاست اقتصادی این حزب حفظ عضویت این کشور در حوزه پیرو اعلام شد. یکی از شعارهای اصلی حزب «اقتصاد زنده و جامعه‌ای سربلند» است. به گفته وی قرارداد وامی و قوانین اجرایی آن چارچوب تغییر نگرش در اقتصاد کشور ایجاد کرده است. چپ دموکراتیک دعوت سایر احزاب برای تشکیل دولت چپ‌گرا را می‌پذیرد و در تحولات پس از انتخابات، مشارکت فعال خواهد کرد. این حزب، احزاب نئودموکراسی و پاسوک را به ایجاد وحشت در جامعه علیه حزب کمونیست متهم می‌کند. به زعم این حزب آنها مایلند چنین القا کنند که اگر احزاب‌شان رای کافی نیابود، در کشور هرج و مرج ایجاد خواهد شد. ما تمایلی به همکاری با حزب سوسیالیست نداریم. رهبران این دو حزب مردم را به بازی گرفته و به آنها چک بی‌محل و وعده‌های دروغ می‌دهند. این دو حزب معماران اصلی آشفتگی اجتماعی کشور بوده و مردم را تهدید می‌کند اگر آنها انتخاب نشوند در کشور هرج و مرج ایجاد می‌شود. طبق نظرسنجی موسسه Pulse RC، حزب چپ دموکراتیک ۱۱ درصد آرا را به دست خواهد آورد.

روزنه

یونان بر لبه پرتگاه

ترجمه: مریم مرادخانی

■ چند روز به برگزاری انتخابات مجلس یونان باقی‌مانده، صرف نظر از بحران اقتصادی، افزایش آمار خودکشی، این کشور را بار دیگر در کانون توجه قرار داده است. روز دوشنبه، مصادف با ۲۳ آوریل ۲۰۱۲، «تیکوس پالیپوس» استاد زمین‌شناسی دانشگاه آتن خود را از تیر چراغ‌برق حلق آویز کرد. در همان روز، کشیشی ۳۵ساله اهل شمال یونان، دست به عملی مشابه زد. در چهارشنبه همان هفته، دانشجوی ۲۲ساله با شلیک مستقیم گلوله به سر خود، به زندگی کوتاهش پایان داد. در کشوری که آمار پایین خودکشی در آن همواره ریزانند خاص و عام بوده، سیر صعودی این آمار در واکنش به بحران اقتصادی اخیر، جامعه یونان و رسله‌هایش را دچار هراس کرده است. شاید، مرگ «دیمیتریس کریستولاس»، دکتر داروسازی که بر اثر فقر ناشی از بحران اقتصادی، در میدان مرکزی آتن خود را به ضرب گلوله از پای درآورد، از هولناک‌ترین این وقایع باشد. پیش از اقدام به خودکشی در میدان سینتگما، مقابل ساختمان پارلمان یونان، این بازنشسته ۷۷ساله، لحظاتی را صرف نوشتن یادداشتی ناخوایا کرد. وی که هم‌اکنون از او به عنوان سمبل ملی یونان در ریاضت اقتصادی یاد می‌شود، در یادداشت خود چنین نوشت: «چراهای جز پایان دادن به زندگی‌ام نمی‌بینم؛ پایانی بر زندگی شرافتمندان‌ام که بقایش در گرو جست‌وجوی نان میان سطل‌های زباله است.»اقدام به خودکشی در یونان امروز، تبدیل به امری معمول شده، چنان که رسانه‌های این کشور، تقریباً هر روز گزارش‌هایی از این دست را منعکس می‌کنند. همین امر سبب ایجاد جوی نهمچندان رضایتبخش در آستانه انتخابات شده است.

برخی از متخصصان حوزه علم پزشکی، جو ناامیدی حاکم بر جامعه، بی‌اعتمادی و احساس درماندگی را از دلایل این خودکشی‌های سیاسی می‌دانند. برخی دیگر، اما از رسانه‌ها به دلیل پوشش کامل اخباری از این دست و دامن زدن به بحران موجود انتقاد می‌کنند. برخی روان‌شناسان بر این باورند که بحران کنونی، سبب ایجاد احساس گناه و حشرات و کاهش عزت‌نفس در میان جامعه یونانی شده است. جامعه‌ای که اعضایش نمی‌خواهند سر بار کشی

باشند، دچار خودبیزاری شده‌اند و چنین اختلالی سرانجام در برخی افراد، سبب خودکشی می‌شود. گرچه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نرخ خودکشی در این کشور در مقام مقایسه با سایر کشورها، چندان هم چشمگیر نیست، اما روند رو به رشد این خودکشی، مبادرت به آن، مصرف داروهای ضدافسردگی و هجوم به مراکز روانپزشکی، همه و همه نسبت به افزایش بحران در این کشور هشدار می‌دهند؛ کشوری که تاکنون با مسایلی از این قبیل بیگانه بوده است. پیش از آغاز بحران اقتصادی یونان در سال ۲۰۰۹، این کشور یکی از کمترین آمارهای خودکشی را دارا بوده است. اما براساس گزارش‌های وزارت بهداشت این کشور، تا نیمه اول سال ۲۰۱۰، این آمار حدود ۴۰ درصدافزایش یافته است. گرچه آمار منتشرشده در سال ۲۰۱۱ چندان قابل اعتماد نیست، اما کارشناسان معتقدند که آمار خودکشی در یونان در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۰۹ دوبرابر شده است (از هر سدهزار نفر، پنج نفر اقدام به خودکشی کرده‌اند). اما این رقم هنوز هم در مقایسه با رقم خودکشی در کشورهای چون فنلاند، آلمان، بسیاری ناپژیر است. «نیکوفوروس آنجلوپولوس» پژوهشگر و متخصص روانپزشکی، اخیراً طرحی را آغاز کرده که در آن تأثیر بحران مالی بر طبقه متوسط‌رند(امورد مطالعه قرار می‌دهد. تاکنون، نتایج حاصل از این مطالعات حاکی از آن است که بحران مالی برای افراد این طبقه نیز مساله‌ساز شده است. گرچه وی شرایط کنونی یونان را تکان‌دهنده و تنش‌زا توصیف می‌کند، اما نقش رسانه‌ها در افزایش تنش‌ها را نیز نادیده نمی‌گیرد. وی معتقد است که بحران خودکشی در یونان، ریشه‌ای عمیق در مسایل روحی و روانی دارد. یکی از بیماریارن پروفیسور آنجلوپولوس، صاحب کارخانه‌ای است که به دلیل بحران اقتصادی ناچار به اخراج تعداد زیادی از کارکنان خود شده است. وی که هم‌اکنون تحت درمان دارویی قرار دارد، علت تشنج روحی خود را عدم تمکن مالی می‌داند. هرچند شرایط روحی وی رو به بهبود است، اما رفتن رای برای خارج شدن از شرایط کنونی، چندان ساده هم به نظر نمی‌رسد. هر کسی توانایی مالی مراجعه به روانکاو را ندارد. بسیاری از بیماران پروفیسور آنجلوپولوس، تنها توانایی پرداخت یک جلسه از تری‌را را دارند و عدای او پرداخت همین مبلغ نیز ناتواند. اماصرفنظر از وقایع اخیر، علت پائین بودن آمار خودکشی در یونان را می‌توان در فرهنگ این کشور جست‌وجو کرد. خلواحدلاً اغلب سعی می‌کنند خودکشی اعضایشان را از عموم پنهان کنند، چرا که کلیسای ارتدوکس یونان از اجرای مراسم خاکسپاری کسانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، خودداری می‌کند. برخی از گزارش‌های پلیس از سوانح مرگبار رانندگی، که اغلب «صادف» تلقی می‌شوند، در واقع اقدام افراد به خودکشی است. عامل دیگر پایین بودن آمار در یونان، پیوند عمیق و روابط تنگاتنگ میان خانواده‌هاست. «سیدریس» روانکاو اهل آتن درباره حس همدردی میان مردم یونان چنین می‌گوید: «یونان کشوری است که در آن همواره کسی را برای همفکری پیدا می‌کنند. اگر با مشکلی مواجه شوید، همیشه کسی هستند که شما را در حل مسایل تان یاری کنند.» گرچه بحران اقتصادی اخیر، ضربه‌ای مهلک به جامعه یونان وارد آورده، اما این حس همدردی و حمایت اجتماعی هنوز در جامعه حکمفرماست. «دیمیتریس نیکولوپولوس»فروشنده ۲۷ساله اهل یونان، این ادعا را که آمار پایین خودکشی در یونان به دلیل جادوکاری و روضات مردم از شرایط سابق بوده است، به سخره می‌گیرد و می‌گوید: «یونانی‌ها سابقاً شاد و راضی به نظر می‌رسیدند چرا که از طریق پولی امرار معاش می‌کردند که متعلق به آنها نبود. باید حقیقت را پذیرفت. این پول متعلق به ما نبود.»

منبع:وزیترز